



مختار شکرپور
مترجم‌رمان

رمان روی دیگر حکایات‌های نانوشته، اثر یوسف عزالدین نویسنده، رمان نویس و تئوریسین ادبی فلسفی کرد عراق به تازگی با ترجمه مختار شکرپور در نشر ثالث منتشر شده است. این اثر، همان‌طور که از عنوانش پیداست، بستر روایت‌های درهم تنیده و قرینه یکدیگر در ساحت‌های مختلف تاریخی، اسطوره‌ای و افسانه‌ای است و این قرینگی حتی در درون اجزای اثر هم لحاظ شده است به عنوان مثال این قرینه‌ها در دو قصرقرینه یکدیگر درجزیره «سین-ی» که آن هم دارای دو قسمت شرقی و غربی قرینه هم هست لحاظ شده است. این رمان، رمان سرگرمی نیست و بنابراین خوانندگان علاقه‌مند به خواندن داستانی لذت بخش و همذات پنداری برانگیز را قانع نمی‌کند بلکه زمانی مناسب مخاطبی جستجوگر و کنجگاو است که در پی کشف ناشناخته‌ها و پیدا کردن تکه‌های به هم ریخته یک پازل و همچنین علاقه‌مند به شکل‌های غیرمتعارف در روایت است. شخصیت‌ها و مکان‌ها و حوادث نیز رازآلودند و تلاش راوی برده برداشتن از رازهای پیرامون این عناصر است.

نقطه عطف این اثر، غلبه و وجه روایی چندلایه و مبتنی بر کشف ناشناخته‌های غریب و تودرتوی اثر بر شخصیت پردازی و اندیشه پردازی نهان شده در آن است. یک لایه این رمان، که در زمان معاصر می‌گذرد، داستان نوامعشوق راوی و خانواده‌اش و ماجراهای راوی باید بزرگش است. لایه دیگری آن، روایت سرگذشت شهپوز، جد افسانه‌ای راوی، است که راوی در کتابی در کتابخانه معبدی قدیمی به آن برمی‌خورد. و اما لایه برجسته اثر، سرگذشت شخصیت محوری رمان به نام «کوال» است که حاکمی خودکامه و بی‌هویت است که بر جزیره‌ای به نام «سین-ی» حکمرانی می‌کند. نویسنده این چندلایگی ظریف و سیال و درهم تنیده را با پرداختی روان و ساده در ساختاری معمایی ارائه کرده و رخدادهای داستان غیر متعارف را با مهارتی خاص در روایت پردازشی از ساختاری پازل گونه کنار هم چیده و این رخدادهای مختلف و گوناگون در پایان در آرگانیسمی منظم در ذهن خواننده تسریع می‌شوند اما تسریع ذهنی این آرگانیسم روایت‌ها می‌تعداد مستلزم دقت نظر و پارک بینی خاص خواننده است. خواننده در جاهایی از این اثر با رخدادهای، مکان‌ها و موجودهای عجیب و غریبی روبه‌رو می‌شود که ظرفیت خاصی در رمان برای تبدیل شدن به اثری سینمایی و تئاتری ایجاد کرده و بسیار جای اقتباس دارد. وقتی این وجه افسانه‌ای در کنار واقعیت زندگی راوی و ماجرای کوال قرار می‌گیرد، رویدادها در برخی بزنگاه‌ها رنگی جادویی به خود گرفته و از این رو، اثر به نوعی و جغی رئالیسم جادویانه هم پیدا کرده است، اما الهام نویسنده از عرفان و تصوف جغرافیایش کردستان، اثر را از این لحاظ از سایر آثار این ژانر متمایز کرده است.

یوسف عزالدین، در سال ۱۹۶۶ میلادی در کردستان عراق زاده شد. عزالدین سرگذشتی عجیب مثل شخصیت‌های رمان هایش دارد، چرا که در سال ۱۹۹۲ دایره معروف امنیت سرخ سلیمانیه، که هم‌اکنون تبدیل به موزه شده، زندانی بود و قرار بود که به همراه تعداد دیگری از هم زندانش در باشگاهی ورزشی در سلیمانیه تیرباران شوند اما تقدیر و البته شرایط آن مقطع عراق سرنوشته دیگری برای او رقم زد و در همان روز مردم شورش کرده و درهای زندان را شکستند و او هم به همراه بقیه زندانیان آزاد شد.

این نویسنده نخستین اثرش را، که شعری در باره رنج‌های زندان بود، بعد از آزاد شدن عجیب‌اش از زندان صدام به مرکزی روشنفکری در لندن ارائه کرد و شعرش از میان آثاری بسیار انتخاب شد و در روزنامه کردی با عنوان «مه‌لیه‌ند» به معنی سرزمین منتشر کرد. او شماری چشمگیر از آثار ادبی ترکی، عربی و حتی انگلیسی را به کردی ترجمه کرده است. رمان‌های تنها روز سرد، ماجراهای سلمان فارسی و هزارتوی خاطرات فریضی از دیگر رمان‌های این نویسنده هستند. یوسف عزالدین نویسنده‌ای به معنای واقعی مستقل است و عضو هیچ انجمن و تشکلم ادبی، فکری، فرهنگی و سیاسی نیست.

این نویسنده و مترجم، رمان‌های «ختخوابی از خون» و «رازهایی از میانه رودی» را نیز به کردی ترجمه کرده و در زمینه گفت‌وگو و مقاله نیز آثاری با عناوین هم و هویت و همیشه جلال و هر دم قربانی را نیز منتشر کرده است.



نرگس باقری در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

پارسی پور فراتر از دغدغه‌های زنانه می‌نوشت

زیمستان بلند»، در بخش اول به تصویری واقع‌گرایانه از روابط اجتماعی می‌پردازد، اما در بخش دوم ناگهان جریان سیال ذهن و تداعی‌های آزاد را به کار می‌گیرد. این شکست ناگهانی در روایت، نشان‌دهنده شکست روانی راوی در مواجهه با مرگ برادر است. در طوبیا و معنای شب از راوی دانای کل سوم شخص استفاده می‌کند اما حرف‌ها و اندیشه‌های شخصیت‌ها همواره از منظر طوبیا درک می‌شوند، این تکنیک، به خواننده امکان می‌دهد تا دنیای طوبی را از درون تجربه کند. در حالی که فاصله‌ای عینی برای نقد نیز حفظ می‌شود. پارسی پور یکی از چهره‌های شاخص رئالیسم جادویی در ادبیات ایران است. رئالیسم جادویی برای نقد تاریخی و سیاسی است. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های رئالیسم جادویی پارسی پور، پیکرگردانی است. شخصیت‌های زن او می‌توانند به درخت، خاک، نور، پروانه یا دانه تبدیل شوند. این بیرون زن با طبیعت، باگذشت به دوران مادرسالاری و دوران پیش از طرد اسطوره‌های زن محور را تداعی می‌کند. او در جایی گفته است که «به مرگ فکر می‌کنم. من آن را هم دوست دارم. با مرگ می‌توانم با خاک بیامیزم و به رشد بهتر گل‌ها کمک کنم». این نشان‌دهنده نزدیکی نگاه نویسنده و مضامین آثار او است. او به تجربه‌ی زیسته اهمیت زیادی می‌دهد. پارسی پور در آثارش تاریخ مردانه را وارونه می‌کند و آن را دیدگاه زنانی روایت می‌کند که صدایشان در تاریخ نگاری رسمی خاموش بوده است.

طوبیا و معنای شب، از نظر وسعت روایی و عمق تاریخی، شاهکار پارسی پور محسوب می‌شود. این رمان که در بستر تحولات صدساله ایران روایت می‌شود، زندگی چهار نسل از زنان را در بر می‌گیرد. این تنوع نسلی به پارسی پور امکان می‌دهد تا تغییرات تاریخی - اجتماعی ایران را از منظر زنان به تصویر بکشد.

◀ **یکی دیگر از مسائلی که پارسی پور را خاص می‌کند، ازدواج او با ناصر تقوایی است. به نظر تان این ازدواج چقدر روی او و آثارش تاثیر داشته است؟**

من فکر می‌کنم در چنین سوالی، ناخودآگاه، مرد به عنوان سوژه‌ی تاریخ و فرهنگ در نظر گرفته می‌شود، کسی که عمل می‌کند، می‌آفریند و بر دیگران تاثیر می‌گذارد و زن ابژه فرض می‌شود، کسی که تحت تاثیر قرار می‌گیرد یا در حاشیه قرار دارد، به همین دلیل کمتر شنیده‌ام که بیروشنه‌ها مثل تاثیر سیمین دانشور بر آل احمد چگونه بوده یا تاثیر پارسی پور بر تقوایی. چنین سوالی این پیش فرض پنهان را دارد که موفقیت زن وابسته به حضور مرد توانمند در کنار او است. از این که بگذریم تا جایی که می‌دانم به طور مستقیم به تاثیر ازدواج پارسی پور با ناصر تقوایی بر آثارش اشاره‌ای نشده است. در غرب یک محدوده پژوهشی‌ای هست که به جای تمرکز بر نابغی‌ی تنها، به بررسی ماهیت مشارکتی و گفت‌وگویی آفرینش ادبی در بستر روابط عاشقانه و حرفه‌ای می‌پردازد و به موضوعاتی چون تاثیر متقابل، رقابت یا همکاری خلاقانه در این روابط توجه می‌کند. وجه مهم دیگر این پژوهش‌ها، توجه به نابرابری‌های جنسیتی در این روابط است. تحقیقات نشان می‌دهد که زنان اغلب به «همسر نویسنده» یا «دستیار تقاضی می‌یافتند و سهم واقعی آنها در آثار نادیده گرفته می‌شد. در مورد پارسی پور و تقوایی هنوز منابعی مانند نامه‌ها، خاطرات شخصی و روایت‌های عمومی خاصی منشر نشده است و من نمی‌توانم بدون بررسی و تحقیق به مورد خاصی اشاره کنم و جای چنین پژوهش‌هایی خالی است.

◀ **معمولاً این نقد با اظهار نظر درباره‌ی نویسنده‌هایی که از ایران مهاجرت می‌کنند مطرح است که آثارشان روند نزولی پیدا می‌کند. آیا این نقد را به پارسی پور رومی دانید؟**

خود پارسی پور در مصاحبه با روزنامه ایندیپندنت (۲۰۲۶) گفته است که از حدود پنج سال پیش تاکنون نمی‌نویسد و خود را «نویسنده بازنشسته» معرفی می‌کند. دلیل این توقف را «حالی شدن ذهن» و فاصله از ایران عنوان کرده است و می‌گوید: «انگلیسی من وحشتناک است. تقریباً ۲۵ سال است که در آمریکا هستم، اما همیشه با ایرانیان هستم و همیشه فارسی صحبت می‌کنم و فقط کتاب‌های ایرانی می‌خوانم، بنابراین چیزی درباره انگلیسی نمی‌دانم». او افزوده است که نمی‌توانسته «درباره زندگی آمریکایی‌ها بنویسد... بودن در جهانی دیگر و نوشتن درباره جهانی دیگر دشوار است». هر چند که این صحبت‌ها نشان می‌دهد که بستر سیاسی و اجتماعی ایران، منبع الهام بخش اصلی او بوده است اما این به معنای نزول کیفیت آثار او نیست. پارسی پور در آمریکا جوایزی دریافت کرده است: جایزه بیتای ۲۰۱۶، دریافت لوح افتخار کوروش بزرگ از دایرةالمعارف انریکا در ۲۰۰۳، فلوشیپ برنامه نویسندگان بین‌المللی از دانشگاه براون در ۲۰۰۴ و دکترای افتخاری از دانشگاه براون در ۲۰۱۰. این افتخارات نشان می‌دهد که او حتی در تبعید نیز به عنوان یک چهره برجسته ادبی و شناخته شده است.

◀ **آثار پارسی پور هم مورد تحسین نویسنده‌ای چون ر. اعتمادی بود و هم جمال میرصادقی از او به نیکی یاد می‌کند. جمع بندی شما درباره آثار زنده یاد پارسی پور و جایگاه او چیست؟**

ر-اعتمادی و جمال میرصادقی هر دو از چهره‌های شناخته شده هستند، یکی به فرم و ساختار و نقد فنی توجه بیشتری دارد و معتقد است که پارسی پور در عین بهره‌گیری از تکنیک‌های مدرن به سنت داستان سرایی ایرانی مانند هزار و یکشب هم توجه دارد و دیگری یعنی اعتمادی، به محتوا و مسایل اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهد و عامه‌نویس است. شاید چون آثار پارسی پور هم در سطح فرم و تکنیک و هم در سطح محتوا و دغدغه‌های انسانی قابل توجه هستند. این اتفاق نظر نشان‌دهنده‌ی وجوه مختلفی از آثار پارسی پور است. آثاری که در کنار نوآوری‌های روایی و سبکی به دغدغه‌های اجتماعی و جهان‌شمول هم می‌پردازند.



زنانه به پرسش‌های بنیادین انسانی می‌پردازد. در مورد عامه‌پسند بودن اگر نگاهی به چند پژوهش در مورد آثار پارسی پور بیندازیم می‌بینیم که برخی او را «پیشگام داستان‌نویسی رئالیسم جادویی فارسی» معرفی کرده‌اند که از مرزهای سنتی این ژانر فراتر می‌رود تا بازنگری در تاریخ ایران از اواخر قرن نوزدهم تا انقلاب ۱۳۵۷ ارائه دهد. آنها استدلال می‌کنند که پارسی پور از رئالیسم جادویی برای نقد تاثیر جریان‌های تاریخی بر زنان ایرانی استفاده می‌کند و شخصیت‌ها و رویدادهای جادویی را برای به چالش کشیدن گرایش‌های مردسالارانه فرهنگ و جامعه ایران معرفی می‌نماید. همچنین پژوهش‌های دانشگاهی به پیوند عمیق پارسی پور با عرفان و اسطوره اشاره دارند. او عرفان را نه به عنوان راهی برای گریز از واقعیت، بلکه به عنوان ابزاری برای پرسش‌گری و نقد به کار می‌گیرد. به عنوان مثال در رمان طوبیا و معنای شب، طوبیا که نامش برگرفته از درخت بهشتی نور و حکمت است، سفری روحانی را آغاز می‌کند. او اگرچه در ظاهر زنی سنتی است که در فضای بسته خانه زندگی می‌کند اما در باطن، مسافری عارف‌گونه در جست‌وجوی حقیقت است. همچنین پارسی پور در عقل آبی لوکوس یونانی را از فلسفه‌ی انتزاعی فراتر برده و آن را در بستر فرهنگ و عرفان ایرانی بازتعریف می‌کند. او دانایی را به شکلی زنانه به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که رهایی به‌دگرگونی معرفت‌شناختی نیاز دارد و پیش از هر چیز لازم است که نوهه‌ی نگاه به جهان، حقیقت و خود تغییر پیدا کند. او نشان می‌دهد که حقیقت از طریق روایت منتقل می‌شود نه از راه مفاهیم انتزاعی. ارتباط عقل آبی با عقل سرخ سپهروردی یکی از عمیق‌ترین لایه‌های این رمان است و عقل آبی تاملی فلسفی در باب معرفت و رهایی است. رمانی که عرفان ایرانی را برای نقد ساختارهای مردانه و بازتعریف هویت زنانه به کار می‌گیرد. همان‌طور که می‌بینیم چنین آثاری نمی‌توانند مصداقی برای عامه‌پسندی باشند.

◀ **می‌دانیم که چند اثر از او به زبان‌های دیگر ترجمه شده و جوایزی نیز برایش به همراه داشته. از این منظر، آثار او چقدر قابلیت جهانی شدن دارند؟**

آثار پارسی پور توان بالایی برای جهانی شدن داشته‌اند. ترجمه‌های متعدد و استقبال بین‌المللی این امر را اثبات کرده است. «زنان بدون مردان» به ۲۰ زبان ترجمه شده و در فهرست بلند جایزه بوکر بین‌المللی ۲۰۲۶ قرار گرفته است. طوبیا و معنای شب نیز به آلمانی، ایتالیایی و چندین زبان دیگر برگردانده شده و در آمریکا هم منتشر شده است. گلبرگ باشی در مصاحبه‌ای با پارسی پور به این نکته اشاره کرده که طوبیا و معنای شب در زمانی به انگلیسی منتشر شد که بازار نشر آمریکا و اروپا مملو از خاطرات زنان «قربانی‌شده» ایرانی بود ولی رمان‌های پارسی پور تصویری پیچیده‌تر و انسانی‌تر از زنان ایرانی ارائه می‌دهند و البته اقتباس سینمایی از «زنان بدون مردان» (برنده شیر نقره‌ای ونیز، ۲۰۰۹) نیز به شناخت جهانی پارسی پور کمک کرد. این فیلم، رمان پارسی پور را به زبانی تصویری ترجمه کرد که توانست با مخاطبان جهانی ارتباط برقرار کند.

◀ **با توجه به پژوهشی که روی آثار پارسی پور داشته‌اید، مهم‌ترین شاخص‌های نویسندگی او به لحاظ سبک، تکنیک و همچنین نوع نگاه و سوژه‌یابی کدام‌اند؟**

پارسی پور در آثارش از تکنیک‌های روایی متنوعی استفاده می‌کند. در «سگ و

آرمان‌ملی - بیتا ناصر: جمعه ۱۲ تیرماه، خبر درگذشت شهروش پارسی پور، نویسنده و مترجم سرشناس ایرانی در ۸۱ سالگی منتشر شد و کاربران صفحات اجتماعی و رسانه‌های خبری را به واکنش و اداشت. پارسی پور سال‌ها پیش جلای وطن کرده و در سال‌های اخیر، فعالیت ادبی را کنار گذاشته بود اما کارنامه‌ی پربار و درخشان‌ش نام او را در تاریخ ادبیات داستانی معاصر ثبت کرده است. انتشار آثار او به سایر زبان‌ها و کسب جوایز بین‌المللی، همچنین از او یک چهره‌ی بین‌المللی ساخته بود و این جایگاه، بر اهمیت و نقش ادبی او می‌افزاید. به این مناسبت، گفت‌وگویی با نازگس باقری، دکترای رشته ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه قزوین ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.

◀ **شهروش پارسی پور در مصاحبه‌ای خود را دومین نویسنده زن (پس از سیمین دانشور) معرفی کرده که رمان نوشته است. پیش از هر چیز، در مورد نقش و جایگاه این نویسنده در ادوار ادبیات داستانی معاصر توضیح دهید.**

شهروش پارسی پور بدون تردید یکی از تأثیرگذارترین و پیشروترین چهره‌های ادبیات داستانی ایران اخیر است. پارسی پور در کنار سیمین دانشور، به عنوان یکی از دو رمان نویس برجسته نسل خود، جایگاهی تثبیت شده در تاریخ ادبیات ایران دارد. دانشور سال ۱۳۴۸ با سووشون، نخستین رمان یک زن ایرانی را منتشر کرد و پارسی پور در سال ۱۳۵۳ با سگ و زمستان بلند این مسیر را ادامه داد.

سووشون و طوبیا و معنای شب را می‌توان دو نقطه عطف در تاریخ ادبیات داستانی زنان ایران دانست. اما تفاوت اساسی این دو اثر در نوع نگاه به زن و نسبت او با تاریخ است. سووشون نقطه آغازین برای ورود صدا و ذهنیت زن به ادبیات ایران است اما پارسی پور در طوبیا و معنای شب و عقل آبی از این موضوع فراتر می‌رود. زن در آثار پارسی پور سوژه‌ای مساله دار است. طوبیا در طول رمان از یک زن سنتی خانه‌دار به پرسشگری تاریخی تبدیل می‌شود، او الگوی سوژه‌ای در حال شدن است. زن در سووشون در درون تاریخ و در چارچوبی واقع‌گرایانه حرکت می‌کند و تحول او، تحولی تدریجی و منطبق با قوانین عادی جامعه است، اما در آثار پارسی پور، زن فراسوی تاریخ حرکت می‌کند و مرزهای خیال و واقعیت، زندگی و مرگ، انسان و طبیعت را در هم می‌آمیزد. زن در آثار او به سوژه‌ای معرفت‌شناختی تبدیل می‌شود که شرط امکان شناخت است. این مساله پارسی پور را از پیشگامان خود متمایز می‌کند.

◀ **در مورد پارسی پور و البته بسیاری نویسندگان هم دوره او، دو رویکرد متفاوت وجود دارد. گروهی او را نویسنده‌ای پیشرو و به اصطلاح جاده‌بازکن حد اقل برای نویسندگان زن می‌دانند و گروهی معتقدند نباید جایگاهی بیشتر از یک زنانه‌نویس عامه‌پسند برایش قائل شد. نظر شما در این باره چیست؟**

اصطلاح «زنانه‌نویس» یکی از برجسب‌هایی است که برای کم اهمیت جلوه دادن جایگاه نویسندگان به کار می‌رود. در نقد ادبی هنگامی که از یک نویسنده مرد به عنوان «نویسنده» یاد می‌شود، به جنسیت او اشاره نمی‌شود اما هنگامی که یک زن می‌نویسد او را با برجسب زنانه‌نویس معرفی می‌کنند. ساندرا گابریلر و سوزان گوبار در کتاب «زن دیوانه در اتاق زیر شیروانی» نشان می‌دهند که زنان نویسنده همواره با اضطراب تالیف روبه‌رو بوده‌اند، یعنی ترس از اینکه مبادا نتوانند اثری ارزشمند خلق کنند، چون معیارهای ارزشمندی را مردان تعیین کرده‌اند. پارسی پور فراتر از دغدغه‌های

آرمان‌ملی: در تاریخ داستان‌نویسی معاصر ایران، شهروش پارسی پور از چهره‌هایی است که با نگاهی مستقل و تجربه‌گرایانه، سهمی مهم در گسترش امکانات روایت فارسی داشته است. آثار او با دامیختن واقعیت و خیال، تاریخ و اسطوره، و تجربه زیسته با جهان نمادین، جایگاهی متمایز در ادبیات معاصر یافته‌اند. اگرچه نام او بیش از هر چیز با روایت تجربه زنان گره خورده است، اما جهان داستانی پارسی پور به این حوزه محدود نمی‌شود؛ دغدغه‌های او از آزادی، هویت، قدرت، تاریخ و معنای زیستن تا نسبت انسان با سرنوشت و خیال را در بر می‌گیرد. پارسی پور نویسندگی را در دوره‌ای آغاز کرد که رئالیسم اجتماعی یکی از جریان‌های تأثیرگذار داستان‌نویسی ایران بود. او نیز از مسائلی اجتماعی و تاریخی زمانه خود غافل نماند، اما به تدریج مسیر روایی متفاوتی برگزید. در آثار او، روایات با بنیامینی صرف واقعیت فراتر می‌رود و با بهره‌گیری از اسطوره، روایت‌ها تمثیلی، عناصر فولکلور و رئالیسم جادویی، به لایه‌های عمیق‌تری از تجربه انسانی راه می‌یابد. همین ویژگی سبب شد آثارش از چارچوب‌های رایج داستان‌نویسی فاصله بگیرند و زنان و ساختاری متمایز پیدا کنند. یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار او، «زنان بدون مردان» است، رمانی که روایت زندگی چند زن را در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران به هم پیوند می‌زند. در این اثر، مرز میان واقعیت و خیال بیوسته جابه‌جایی می‌شود و فضایی شکل می‌گیرد که بسیاری از منتقدان آن را استعاره‌ای از جست‌وجوی رهایی، بازسازی هویت و امکان زیستن در جهانی متفاوت دانسته‌اند. این رمان، علاوه بر جایگاهش در ادبیات فارسی، با ترجمه به زبان‌های مختلف و اقتباس سینمایی، مخاطبانی فراتر از ایران نیز یافت و نام پارسی پور را در عرصه بین‌المللی بیش از پیش مطرح کرد. با این همه، جایگاه ادبی پارسی پور را نمی‌توان تنها با یک اثر سنجید. «طوبیا و معنای شب» از مهم‌ترین رمان‌های اوست؛ اثری بلندپروازانه که زندگی زنی ایرانی را در متن تحولات تاریخی بیش از نیم قرن روایت می‌کند. تاریخ در این رمان صرفاً پس‌زمینه داستان نیست، بلکه نیرویی است که بر سرنوشت شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و در تعامل با جست‌وجوی معنای زندگی قرار می‌گیرد. بسیاری از پژوهشگران، این

نویسنده‌ای در اندازه‌های جهانی

مروری بر کارنامه‌ی ادبی پارسی پور

رمان را از آثار قابل توجه ادبیات معاصر فارسی در پیوند دادن روایت تاریخی، اندیشه فلسفی و تخیل داستانی دانسته‌اند. از دیگر ویژگی‌های برجسته آثار پارسی پور، زبان داستانی اوست. نثرش، در عین روانی، ظرفیت بالایی برای تصویرسازی و خلق فضاهای نمادین دارد. او بی‌آنکه به پیچیدگی تصنعی متوسل شود، جهانی می‌آفریند که در آن رخدادهای شگفت‌ناامتعرف، در دل منطق روایت پذیرفتنی می‌شوند. این توانایی در آفرینش جهانی مستقل، یکی از عوامل ماندگاری آثار او در میان مخاطبان و منتقدان بوده است. زندگی شخصی پارسی پور نیز از تجربه‌های دشوار خالی نبود. او سال‌های پایانی زندگی خود را در مهاجرت گذراند و این تجربه‌هایی تردید بر نگاه او به جامعه اثر گذاشت. اما آثارش هرگز به بازنتاب مستقیم زندگی شخصی فروکاسته نشدند. او بیش از آنکه خاطره‌نگار رنج باشد، نویسنده‌ای بود که می‌کوشید با تکیه بر تخیل، افق‌های تازه‌ای برای فهم واقعیت بگشاید.

کارنامه ادبی پارسی پور تنها به رمان نویسی محدود نیست. او در داستان کوتاه، خاطره‌نویسی و مقاله‌نویسی نیز آثاری منتشر کرد و در گفت‌وگوهای فکری و ادبی زمانه خود حضوری فعال داشت. آثارش به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند و همچنان موضوع پژوهش‌های دانشگاهی و نقدهای ادبی در ایران و خارج از ایران هستند؛ نشانه‌ای از آنکه جهان داستانی او هنوز ظرفیت خوانش‌ها و تفسیرهای تازه را حفظ کرده است. درگذشت شهروش پارسی پور، پایان زندگی یکی از نویسندگان اثرگذار ادبیات معاصر فارسی است، اما پایان حضور او در فرهنگ و ادبیات نیست. ارزش آثار او را باید در ندوام خوانده شدن، امکان تفسیرهای تازه و تأثیری جست که بر گفت‌وگوهای ادبی و فرهنگی بر جای گذاشته‌اند. او از جمله نویسندگانی بود که نشان داد داستان، تنها بازناب واقعیت نیست؛ بلکه می‌تواند با باری تخیل، واقعیت را از زاویه‌ای دیگر ببیند و امکانات تازه‌ای برای فهم انسان و جهان پیش روی خواننده بگذارد. از این منظر، میراث ادبی پارسی پور، همچنان بخشی زنده از جریان داستان‌نویسی معاصر ایران خواهد ماند.